

یادداشت سیاسی هفته

آرش کمانگر arash@funtrivia.com

۱. ۲۲ آوریل روز عزای عمومی برای حقوق بشر جهانی!!

۲. گسترش اعتیاد در مدارس ایران

۳. ضرورت تقویت کارزار جهانی برای لغو مجازات اعدام

۱- بیست و دو آوریل ، روز عزای عمومی برای حقوق بشر جهانی

روز دوشنبه ۲۲ آوریل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نشست رسمی خود را برای بررسی کارنامه حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران برگزار نمود. این کمیسیون مهم بین المللی و یکی از نهادهای اساسی سازمان ملل، در تمام ۱۹ سال گذشته با تکیه بر شواهد فراوان و از جمله گزارشات نهادهای مهم بین المللی نظیر: دیده بان حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل، با اکثریت آرای نمایندگان کشورهای مختلف، رای به محکومیت جمهوری اسلامی می داد. این نهاد در حساسیت به وضعیت اسفبار نقض حقوق بشر در ایران، علاوه بر صدور قطعنامه محکومیت و ارایه آن به مجمع عمومی سازمان ملل، جهت نظارت ویژه بر عملکرد رژیم ایران، ابتدا آقای گالیندوپل (السالوادوری) و بعد از چند سال آقای موریس کاپیتورن (کانادایی) را به عنوان ناظر و گزارشگر اختصاصی وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین نمود. اما امسال در حالی که شاهد وخیم تر شدن اوضاع حقوق بشر در ایران و تشدید فضای اختناق و بگیرو ببند هستیم اکثریت اعضای این کمیسیون، از تصویب قطعنامه محکومیت جمهوری اسلامی خودداری ورزیدند.

بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه، این قطعنامه که بر مبنای گزارش سالیانه آقای کاپیتورن تهیه شده بود- با ۲۰ رای مخالف و ۱۹ رای موافق، رد شد. کشورهای عربی-اسلامی و نیز کشورهایی چون چین، روسیه، کوبا و ویتنام جزو حامیان رژیم فاشیستی ایران بودند. اکثریت این کشورهای مخالف تصویب قطعنامه، خود در نقض مبانی حقوق بشر دست کمی از جمهوری اسلامی ندارند و بنابراین «راهنمایی کی توانند کرد وقتی خود ره را ندانند»؟! نکته قابل توجه اینکه کشورهای اروپایی نیز در راستای منافع اقتصادی خود برخورد فعالی نکردند تا از وقوع این فاجعه مشمئز کننده برای اعلام براءت از رژیم قرون وسطایی ایران ممانعت به عمل آید. برخورد فعال آمریکا نیز که خود از حامیان سرسخت رژیم های دیکتاتور و وابسته در سراسر جهان و از جمله رژیم های عصر شترچرانی کشورهای عربی نظیر عربستان است و مهمترین حامی رژیم اشغالگر و جنایتکار اسرائیل می باشد و خود بویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر بر ابعاد قلدری و نقض حقوق مدنی در آمریکا و جهان افزوده، شدیداً به دلیل متناقض و دابل استاندارد بودن اش، نمی تواند سمپاتی گسترده ای را در سطح بین المللی جلب نماید. این مساله و نیز تشدید بحران خاورمیانه و نزدیکی سیاسی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، سبب شده که رژیم های مذکور امسال قاطع تر در کنار رژیم ایران قرار گیرند تا نوعی همبستگی اسلامی را در برابر سیاست تهاجمی و جنگ طلبانه آمریکا و چشم پوشی واشنگتن از جنایات هولناک رژیم صهیونیستی به معرض نمایش گذارند.

۲. رشد اعتیاد در مدارس ایران

عباس تحریری مسوول مشاوره و پیشگیری در اداره آموزش و پرورش تهران اخیراً طی گفت وگویی با خانم رویا ملکی (روزنامه نگار) تخمین زده که فقط در مدارس تهران پنج هزار دانش آموز معتاد وجود داشته باشد. بنا به آمارهای سال تحصیلی ۷۷-۷۶ که توسط دفتر مشاوره و برنامه ریزی امور

تربیتی وزارت آموزش و پرورش ارایه شده، ۷۸ هزار و ۴۸۰ دانش آموز در مقاطع گوناگون تحصیلی شناسایی شدند. این افراد در معرض اعتیاد یا قاچاق مواد مخدر و سوءاستفاده جنسی بوده اند. براساس این آمار ۴۷ درصد در مقطع ابتدایی ۳۲ درصد در مقطع راهنمایی و ۲۱ درصد در مقاطع متوسطه مشغول تحصیل بوده اند. این رقم در سال تحصیلی ۷۸-۷۷ با گذشت فقط یک سال، رشدی معادل ۱۱۲ درصد داشته است و اگر همین رشد را در سال های ۷۹ و ۸۰ مد نظر قرار دهیم، پی خواهیم برد که چند صد هزار نفر از جمعیت ۱۸ میلیونی دانش آموزان ایران در معرض اعتیاد یا قاچاق و یا سوءاستفاده جنسی مرتبط با این نوع ناهنجاری های اجتماعی قرار دارند. این البته به هیچ وجه جای تعجب ندارد، چون وقتی در سطح جامعه سخن از چند میلیون معتاد و قاچاقچی می رود، طبیعی است که کودکان و نوجوانان کشورمان نیز از طریق خانواده و خویشان و دوستان خود و یا از طریق محلات، به دام افیون و بزهکاری های مرتبط با آن بیافتند.

امروزه جرایم رژیم اعتراف می کنند که قیمت یک سیگار حشیش از یک شکلات ارزاتر است و بسته های هرویین راحت تر از بسته های نمک فروخته می شود و به علاوه برخلاف بسیاری از کشورها، فروش سیگارهای معمولی نیز به همه متقاضیان، صرف نظر از سن آنها آزاد و جایز است. با این همه مضحک خواهد بود هرگاه تصور کنیم صرف فراوانی و ارزانی برخی اقلام مواد مخدر در ایران و یا همسایگی آن با افغانستان (به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان مواد مخدر در جهان) می تواند این چنین میلیون ها انسان و هزاران دانش آموز را به کام خود کشد. اعتیاد، قاچاق، سرقت، تن فروشی، تکدی و ناهنجاری های اجتماعی از این دست، ریشه در مجموعه ای از عوامل اقتصادی و سیاسی کشورمان دارند. بیکاری گسترده، فقر و فلاکت توده ای، نبود فضای سیاسی و فرهنگی آزاد و دموکراتیک، محدودیت و محرومیت شدید مردم و جوانان در سایه نکتت جمهوری اسلامی و... عواملی از این نوع هستند که سبب می شوند انبوهی از انسان ها _فوج فوج_ برای فراموشی لحظه ای دردها و محرومیت های خود، برای خلاصی از استرس ها و فشارهای موجود در خانه، مدرسه و جامعه و برای لحظه کوتاهی از خوشی ناشی از نشئه گی، رو به سوی افیون آورند و یا برای رهایی از چنگال فقر به قاچاق و فحشا و سرقت کشیده شوند، بنابراین خام خیالی خواهد بود هرگاه فکر کنیم بدون رفع این عوامل می توان در سایه رژیم اسلامی با بحران مذکور مقابله نمود.

۳- ضرورت تقویت کارزار جهانی برای لغو مجازات اعدام

سازمان عفو بین الملل در جدیدترین گزارش خود پیرامون آمار اعدام در جهان، می نویسد که میزان تحقق این نوع از مجازات ضد بشری در سال ۲۰۰۱ نسبت به سال ۲۰۰۰ دو برابر شده است. این گزارش صرفاً بر مبنای اعلامیه های رسمی نهادهای دولتی و قضایی کشورهای مختلف تنظیم شده و شامل اعدام های مخفیانه و قتل های سیاسی غیررسمی نمی شود.

عفو بین الملل می گوید که در سال گذشته دست کم ۳۰۴۸ نفر در ۳۱ کشور جهان اعدام شدند در حالی که این میزان در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۴۵۷ مورد بوده است. چهار حکومت چین، ایران، عربستان و آمریکا کماکان (همچون سال های گذشته) رکورد دار اجرای این نوع احکام شنیع و بربرمنشانه هستند. جمهوری اسلامی که در سال ۲۰۰۰ مقام چهارم را داشت، در سال ۲۰۰۱ به رتبه دوم رسیده است. سازمان عفو بین الملل علت افزایش چشم گیر مجازات اعدام در سال گذشته را ناشی از تلاش های هیستریک و خشونت بار رژیم چین برای مقابله با جرایم مختلف می داند چرا که این حکومت به تنهایی سه چهارم کل اعدام های جهان را به اجرا گذاشته است.

با این همه و علیرغم این پسرفت منفی، کارزار جهانی برای لغو مجازات اعدام توانسته قدم هایی نیز به جلو بردارد و شماری دیگر از حکومت ها و کشورها را برای لغو این مجازات ضد انسانی قانع کند به طوری که طی سال گذشته، شیلی حکم اعدام را برای جرایم زمان صلح و کشورهای بوسنی و یوگسلاوی حکم اعدام را در تمام موارد لغو کرده اند. بدین ترتیب تعداد کشورهایی که تماماً یا بخشاً به اردوی انسانی لغو مجازات اعدام پیوسته اند به ۱۱۰ کشور بالغ می شوند. با این همه بیش از ۸۰ کشور در جهان از جمله: آمریکا، چین، ایران، عربستان، فلسطین، پاکستان، کوبا، افغانستان، الجزایر، بحرین، بنگلادش، بیلوروس، کنگو، کامرون، مصر، هند، اندونزی، عراق، ژاپن، اردن، کره شمالی و جنوبی، کویت، لبنان، فیلیپین، سوریه، تایوان، امارات متحده عربی، ویتنام، یمن، قزاقستان، ازبکستان و غیره کماکان در قوانین قضایی خود به حفظ حکم اعدام وفادار مانده اند، هرچند حدود بیست عدد از این کشورها نظیر ترکیه، بوتان، سری لانکا و غیره طی ده سال گذشته از به اجرا درآوردن آن خودداری ورزیده اند.

از این رو باید گفت که روز به روز در پی تلاش های نیروهای بشر دوست، نهادهای حقوق بشر و طیف چپ آزادیخواه در جهان، عرصه بر رژیم های وفادار به مجازات مرگ تنگ تر می شود. این کمپین به ویژه با برگزاری کنفرانس بین المللی استراسبورگ در ژوئن ۲۰۰۱ وارد مرحله جدیدی از پیشروی خود شده و می رود که با مدد گرفتن از قدرت استدلال و از جمله این مساله که اجرای مجازات اعدام بر

طبق آمارهای موجود_ تاثیر در کاهش جرایم نداشته، عرصه های نوینی را فتح کند. گسترش این نوع روشنگری ها و کلا راه اندازی یک کارزار وسیع برای لغو مجازات مرگ، به خصوص در ایران امروز از اهمیت به سزایی برخوردار است. چرا که همانطور که گفته شد رژیم اسلامی ایران بعد از چین، دومین رکوردار این نوع کیفر ضد بشری و قرون وسطایی است.

به علاوه در ارتباط با این مساله، نه تنها باید به مبارزه با جمهوری اسلامی بپردازیم، بلکه گریبان آن بخشی از اپوزیسیون انتقام طلب را نیز باید گرفت که علیرغم ادعای مخالفت با استبداد و توحش و وفاداری لفظی به مبانی حقوق بشر، کماکان به مجازات اعدام پایبند هستند و از هم اکنون سلاح انتقام خویش را بر سندان کین، آبدیده و تیز می کنند. از این رو وظیفه هر شهروند آزادیخواه ایرانی است که تا دیر نشده و دست اینان به اهرم قدرت سیاسی گیر نکرده است، ایشان را برای پذیرش لغو کامل هر نوع شکنجه و اعدام و پرنسیپ بی چون و چرای آزادی های بی قید و شرط سیاسی تحت فشار قرار دهند.